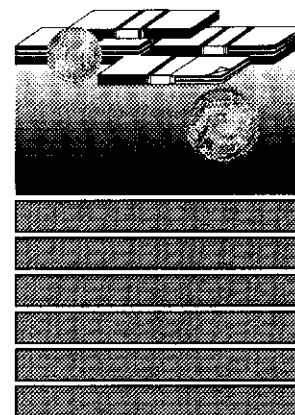


مالیه



بازار جهانی سرمایه و بحران بازارهای مالی در کشورهای جنوب شرقی آسیا

دکتر علی رشیدی

قسمت اول

۱- بازارهای مالی

بازارهای مالی به معنی عام شامل داد و ستد سرمایه در مقابل سرمایه (ارز)، سرمایه در مقابل حقوق مالکیت (سهام) و یا در مقابل تعهد پرداخت در آینده (اوراق قرضه) است و هر یک از این داد و ستدها می‌تواند فوری و یا مربوط به انجام

تعهدی در آینده نزدیک (کوتاه مدت) و یا آینده متوسط و یا دور (میان مدت و بلند مدت) باشد. بنابراین در بازارهای مالی خرید و فروش ارز، خرید و فروش اوراق قرضه، خرید و فروش کالاها و یاسهم و نیز نقل و انتقال سرمایه به منظور سرمایه گذاری مستقیم انجام می‌شود.

همه این داد و ستدها می‌تواند در درون یک کشور، یا در سطح یک منطقه و نیز در سطح جهانی انجام شود. بنابراین صحبت از بازارهای مالی بدون توجه به حوزه و شرایط حاکم بر بازارها از نظر حقوقی و قانونی و درجه آزادی بازارها از دخالت دولت‌ها و مقامات پولی و بانکی و نیز نوع آزادی داد و ستدها معنی چندانی ندارد. به عنوان مثال، در ایران بازارهای مالی به مفهوم واقعی و معیارهای جهانی وجود ندارد. بازار آزاد وجود ندارد بازار خرید و فروش اوراق قرضه وجود ندارد. بورس سهام واقعی وجود ندارد. بازار سلف کالاها و ارزها وجود ندارد. ورود و خروج آزاد سرمایه وجود ندارد و نیز خرید و فروش، پیش بینی تغییرات نرخ‌ها (در واقع شرط بندی بر روی تغییرات اعداد شاخص‌ها و قیمت‌ها) وجود ندارد.

آنچه بازار سرمایه را به حرکت در می‌آورد سودجویی و نفع طلبی فوری و یا اجتناب از ضرر و زیانهای قابل پیش بینی و یا حتی تصویری و فرضی آینده است. در حال حاضر سیاست پولی و ارزی کشورها، نرخهای ارز، نرخهای بهره یا پیش بینی تغییرات نرخ‌ها اعم از ارز و بهره و نیز وضع اقتصادی حال کشورها و پیش بینی وضع آینده آنها از نظر رونق و رکود، از نظر کسری یا مازاد در تراز تجاری و پرداختهای بین‌المللی جملگی در نقل و انتقال سرمایه‌ها از کشورها و مناطق اثر می‌گذارد.

خصیصه بازر بازارهای مالی در زمان حال، آزاد سازی مداوم آنها از دخالت دولت‌ها (مقامات پولی و بانکی) گسترش حوزه فعالیت آنها (شامل انواع دادوستدها) و یا به عبارت دیگر آزاد شدن و جهانی شدن این بازارها و شدت و سرعت عمل در آنها در اثر انقلاب اطلاعاتی و تکنولوژیکی است.

آزاد سازی داد و ستدهای مالی توسط دولت‌ها بخشی از تعهد آنها تحت توافق‌های دور اروگوئه و مذاکرات.

تفرقه‌ای است که سازمان تجارت جهانی را از اول سال ۱۹۹۵ به جای گات ۱۹۴۷ به وجود آورد. سازمان تجارت جهانی فعلی غیر از مسئله داد و ستد کالاها (برای اولین بار شامل محصولات کشاورزی، محصولات نساجی و الیاف و محصولات دریایی) و کوشش در راه حذف نهائی کلیه محدودیت‌های غیر تعرفه‌ای و تعرفه‌ای، شامل سرمایه‌گذاریهای مرتبط با تجارت (TRIMS) و داد و ستد خدمات (GATS) و حمایت از حقوق مالکیت اموال معنوی (TRIPS) نیز هست. یعنی اصول حاکم بر داد و ستد کالاها مثل عدم تبعیض در مورد کشورها و کالاها (اصل کامله الوداد) و دسترسی آزاد به بازارها به طور متقابل در این موارد نیز رعایت خواهد شد. در زمینه تجارت جهانی خدمات شورائی بنام شورائی تجارت خدمات (COUNCIL FOR TRADE IN SERVICES) درست شده است که کار آن نظارت و هدایت آزاد سازی و اجراء تعهدات در این بخش است. در زمینه خدمات مالی کمیته تجارت خدمات مالی (COMMITTEE ON TRADE IN FINANCIAL SERVICES) مخصوص نظارت بر اجراء تعهدات در زمینه خدمات مالی است. همچنین برای حل اختلافات، هیئتهای کارشناسی ایجاد شده است که شامل زنده‌ترین کارشناسان از همه کشورهای عضو است. ضمناً یک کمیته فرعی بخش خدمات ایجاد شده است که کمیته تدارکات سازمان تجارت جهانی را برای اعمال و اجراء توافق‌ها کمک می‌کند. خدمات مالی که مشمول آزاد سازی است شامل ۱۶ نوع فعالیت‌های مربوط به بانکها، بیمه‌ها و بورس است. به عبارت دیگر غیر از آنچه که مخصوص دولت‌ها است مثل انتشار اسکناس و اعمال سیاست‌های پولی، تأمین اجتماعی، بازنشستگی و مقررات خاص حفظ و حمایت از کلیه سرمایه‌گذاران - سپرده‌گذاران و حفظ ارزش خدمات مالی و اوراق، بقیه خدمات

مالی مشمول آزاد سازی طبق اصل کامله الوداد و رفتار ملی است. هر کشور عضو جدول تعهدات آزاد سازی خود را تدوین و قبول کرده است که بعد از سه سال اجراء تعهدات، جدول ملی تعهدات را در جهت اصلاح و بهبود مورد تجدید نظر قرار دهد. البته کشورها طبق توافق، جدولی نیز شامل استثنائات اصل کامله الوداد موقتاً دارند که در مراحل بعدی مذاکرات کمتر و یا حذف میشود.

بنابراین آنچه که بعد از ۱۹۹۵ در بازارهای مالی اتفاق افتاده آزاد شدن جهانی شدن این بازارها است. یعنی در هر بازار دخالت و انحصار دولت‌ها کاملاً محدود و مشخص و دسترسی به بازارها برای افراد و شرکتهای کشورهای دیگر طبق برنامه آزاد و حق مردم کشورها در استفاده از خدمات مالی متعلق به شرکتهای خارجی به رسمیت شناخته شده است. مثلاً شرکتهای بیمه خارجی، بانکها و شرکتهای سرمایه‌گذاری خارجی و مؤسسات مالی خارجی همه می‌توانند در هر کشور عضو شعبه، نمایندگی، دفتر یا بانک تأسیس و فعالیت نمایند. کلیه شرکتهای بیمه خارجی می‌توانند برای مردم کشورها بیمه‌نامه به هر پولی صادر نمایند، بیمه‌اتکائی داشته باشند، مؤسسات خدمات رسانی می‌توانند به گردآوری و عمل آوردن و انتقال ارقام مالی بپردازند. حق تأسیس و توسعه واحدهای تجاری مالی دارند. افراد متعلق به مؤسسات خارجی حق ورود موقت و اقامت دارند. با مؤسسات خارجی مقیم طبق اصل رفتار ملی، باید مثل مؤسسات داخلی و ملی رفتار شود (پرداخت‌ها، تسویه‌ها، پایاپای، تسهیلات تأمین مالی (تجزیل مجدد)، تأمین مالی دولت‌ها، عضویت و مشارکت در نهادهای خودگردان مثل بورسها، معاملات سلف و اژانسهای پایاپای).

ورود و استقرار بانکها و مؤسسات مالی و خدماتی و اطلاعاتی به بازارهای کشورهای عضو، حداقل دارای پنج مزیت

و فرصت‌یابی مثبت است.
۱- ایجاد رقابت بین مؤسسات داخلی و خارجی در ارائه خدمات و ایجاد تنوع در دسترسی به خدمات مالی
۲- کاهش هزینه برای استفاده‌کنندگان خدمات (در مواردی مثل تلفن از راه دور تا ۶۰ درصد) و یا بالا بردن درآمد آنها و بهبود کارائی.

۳- بالا بردن سطح خدمات ارائه شده مخصوصاً از نظر سرعت و صحت خدمات.

۴- افزایش حجم امکانات مالی و خدماتی بازار، به واسطه دسترسی شعب و نمایندگیها به منابع و خدمات مؤسسات مادر در خارج مخصوصاً پایگاههای آماری و اطلاعاتی و خدمات فنی آنها
۵- ایجاد فرصت رشد و تکامل و گسترش فعالیت برای مؤسسات داخلی در بازارها و سرزمین‌های تازه که محصول همه اینها رفاه و رشد بیشتر با هزینه کمتر است.

با توجه به توافق‌های انجام شده در سطح جهانی در مذاکرات دور اروگوئه و پس از آن، مخصوصاً در سال ۱۹۹۷ درباره آزادسازی خدمات مالی، امروز خرید و فروش ارزها در مقیاس جهانی خرید و فروش سهام در بورسها در مقیاس جهانی، خرید و فروش کالاها (تفت‌گندم، قهوه، شکر، فلزات) در مقیاس جهانی، خرید و فروش اوراق دولتها و شرکتهای در مقیاس جهانی مطرح است (کشورهای استثنائی یا محدود شده شامل چین و روسیه است که در کمتر از پنجسال به این روند می‌پیوندند). تنها کشورهای بسیار عقب مانده آفریقائی از این نهضت جهانی شدن بازارها کنار مانده‌اند. وضعیت ایران، عراق و افغانستان خود داستان جدایی دارد.

در مقابل، مشارکت حبشه، تونس، جزیره زنگسبار، جزیره مالت، امارات متحده، سیلان، بحرین و جزیره سی شل و یا جزیره قبرس همراه بیش از ۱۴۰ کشور دیگر در این نهضت بسیار آموزنده

است و نشان می‌دهد که استدلالهای حمایتی و حفاظتی و دلسوزیهای مخالفان مشارکت یک کشور در این نهضت آزاد سازی و پیوستن به جهان و استفاده از امکانات جهانی تا چه حد بی‌پایه می‌باشد. آزاد شدن و جهانی شدن داد و ستدهای مالی سبب شده است که بانک‌ها، شرکتهای بیمه، شرکتهای کارگزاری اوراق بهادار (سهام و اوراق قرضه) از سراسر جهان بسوی کشورها و بازارهای تازه باز شده در آسیا، آمریکای لاتین و شمال آفریقا در جستجوی سود و درآمد بیشتر به حرکت درآیند. امروز یک سرمایه‌دار آمریکائی یا ایرلندی یا مدیر یک صندوق سرمایه‌گذاری وجوه بازنشستگی کارکنان یک شرکت آلمانی به کمک زبده‌ترین کارشناسان مالی یک کارگزار مالی آمریکایی مثلاً مستقر در بانکوک یا مانیل می‌تواند در یک لحظه میلیاردها روپیه یا دلار، پسو، مارک و یا ین، ارز، سهم یا اوراق قرضه خرید و فروش کند و هیچ مانعی بر سر نقل و انتقال پول، ارز و یا حقوق مالکیت وجود ندارد. قوانین و مقررات و دستورالعملهای توافق شده بین‌المللی حافظ حقوق فعالین در این بازارها است.

۲- فعالیت در بازارهای مالی تازه

- از نظر تاریخی بازارهای سرمایه به واسطه وجود تأسیسات قابل اطمینان (بانک‌ها، شرکتهای سرمایه‌گذاری، شرکتهای بیمه، بورسها و مؤسسات واسطه‌گری سرمایه‌گذاری) قوانین و مقررات و سنت‌های قابل اطمینان و سیاست‌های شناخته شده دولتها، مختص کشورها و مراکز عمده شناخته شده دنیای غرب و اقماری آنها (ژاپن، استرالیا، ژالاندنو، آفریقای جنوبی) بوده است. یعنی سرمایه‌گذاران از همه دنیا به کمک واسطه‌های مالی غربی و از طریق این بازارها در جستجوی نفع بیشتر وامینت

بیشتر سرمایه‌های خود فعالیت کرده‌اند. در بیست سال اخیر همراه با ادغام اقتصادها و بازارهای تازه که به بازارهای در حال پیدایش و ظهور (EMERGING MARKETS) معروف شده‌اند به وجود آمده و این بازارها روزبروز فعال تر شده‌اند. این بازارها قبل از همه در آسیای جنوب شرقی و خاور دور، در آمریکای لاتین و به میزان محدود در خاورمیانه استقرار یافته‌اند و تأسیسات مالی و افراد حرفه‌ای فعال در بازارهای مالی غربی نقشی اساسی در ایجاد بازارهای جدید و آموزش کادری حرفه‌ای آنها داشته‌اند. ادغام بازارهای مالی در مقیاس جهانی سبب شده است که فعالیت مالی بازارهای در حال پیدایش به طوری که در جدول ۱ دیده می‌شود در فاصله سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۶ بیش از پنج برابر شود و در سال ۱۹۹۶ با ۲۲ درصد رشد نسبت به سال ۱۹۹۵ رکورد تازه‌ای بر جای گذارد. نکته بسیار مهم در فعالیت بازارهای مالی تازه نقش بخش خصوصی در این بازارها است. یعنی در حالی که ۲۰ سال قبل بیشتر جریان سرمایه به کشورهای در حال توسعه انتقالات رسمی و دولتی و از طریق مؤسسات بین‌المللی (بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و بانکهای دولتی ممالک غربی) بود، امروز این نسبت‌ها کاملاً معکوس شده است. به عنوان مثال، در سال ۱۹۹۰ جمعاً ۴۵/۷ میلیارد دلار به‌طور خالص سرمایه‌های خصوصی چه برای سرمایه‌گذاری‌های مستقیم (احداث واحدهای تولیدی) و چه برای سرمایه‌گذاری غیرمستقیم (سرمایه‌گذاری در سهام و اوراق و غیره) به بازارهای تازه انتقال یافت. اما این رقم در سال ۱۹۹۶ به سطح بی‌سابقه ۲۳۵/۲ میلیارد دلار رسید. در مقابل انتقال از منابع رسمی و دولتی از ۱۸/۸ میلیارد دلار مربوط به سال ۱۹۹۰ (۲۹ درصد کل جریان سرمایه) ته تنها در سال ۱۹۹۶ افزایش نیافت بلکه ۱۳/۲ میلیارد نیز منفی بود (یعنی بازپرداخت‌ها

جدول ۱
جریان سرمایه خصوصی به بازارها تازه
(میلیارد دلار)

۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۳	۱۹۹۲	۱۹۹۱	۱۹۹۰
۳۳۵/۲	۱۹۲/۸	۱۴۷/۰	۱۶۱/۰	۱۳۳/۴	۱۲/۸	۴۵/۷
۱۰۵/۹	۸۷/۳	۷۵/۵	۵۶/۹	۳۷/۹	۳۲/۱	۱۸/۸
۵۸/۷	۳۱/۶	۹۷/۲	۱۰۶/۸	۵۹/۲	۳۹/۷	۱۷/۰
۷۰/۶	۷۳/۹	-۲۵/۷	-۲/۷	۳۶/۳	۶۸	۹/۹
-۱۳/۲	۳۷/۲	۹/۸	۴۳/۶	۱۳/۹	۲۲/۵	۱۸/۸
۱۰۶/۸	۹۸/۹	۷۵/۱	۵۹/۵	۲۲/۴	۳۷/۷	۲۱/۴
۵۸/۰	۵۰/۷	۴۴/۶	۳۵/۲	۱۷/۲	۱۵/۲	۹/۵
۲۰/۱	۲۰/۱	۱۸/۵	۲۳/۸	۹/۶	۲/۸	-۰/۹
۲۸/۸	۲۸/۱	۱۲/۰	۰/۵	-۴/۵	۱۹/۷	۱۲/۹
۶/۷	۵/۰	۵/۹	۸/۲	۱۲	۱۰/۷	۵/۶
۳۵/۴	۵۱/۳	۵۱/۱	۳۷/۰	۱۶/۸	۲۷/۰	۴۶/۸

LMF, INTERNATIONAL CAPITAL MARKET, NOV. 1997 TABLE 13.P.28

منبع:

بیشتر از انتقالات جدید بود. در سال ۱۹۹۴ سهم انتقالات رسمی فقط ۶ درصد کل جریان سرمایه‌ها بود. در دوره هفت ساله ۱۹۹۶-۱۹۹۰ جمعاً به طور خالص حدود ۱۰۵۵ میلیارد دلار سرمایه‌های خصوصی از سراسر جهان به بازارهای در حال ظهور انتقال یافته است که بیش از ۹ برابر انتقالات رسمی (۱۱۵/۶ میلیارد دلار) است. به طور متوسط در ۷ سال اخیر ۴۰ درصد جریان سرمایه‌های خصوصی خارجی در دنیا و ۴۵ درصد انتقالات رسمی به سوی آسیا یعنی بازارهای آسیای جنوب شرقی و خاور دور بوده است. در سال ۱۹۹۶ تعداد کشورهای دارای دسترسی مستقیم به بازارهای مالی جهانی ۴ برابر تعداد آنها در سال ۱۹۹۰ بوده است.

البته باید در نظر داشت که سهم همه کشورها در دسترسی به بازارهای جهانی یکسان نیست بلکه در مجموع ۱۰ کشور در حال صنعتی شدن هستند که ۷۵ درصد کل جریان سرمایه‌های بین‌المللی را به خود جلب می‌کنند. نکته دیگر اینکه سرمایه‌های جلب شده در همه کشورها به صورت سرمایه‌گذاری مستقیم (ایجاد کارخانه و تأسیسات) نیست و یا برای سرمایه‌گذاریهای مستقیم اضافی صرف نمی‌شود. معمولاً بانکهای مرکزی کشورهای تازه صنعتی شده یا در حال صنعتی شدن قسمت عمده‌ای از ارزهای وارده را جذب و به افزایش ذخایر ارزی خود می‌پردازند. به عنوان مثال در دوره ۹۶-۱۹۹۰ از حدود ۱۲۰ میلیارد دلار جریان سرمایه به بازارهای در حال ظهور به طور متوسط ۴۹ درصد آن یا ۵۷۵ میلیارد دلار به صورت ذخائر رسمی در کشورهای واردکننده سرمایه نگاهداری شده است. این نسبت در آسیا ۷۰ درصد و در آمریکای لاتین ۳۷ درصد است.

در این دوره ذخایر ارزی بازارهای تازه به ۸۲۰ میلیارد یا به سه برابر میزان آن در سال ۱۹۸۹ افزایش یافت. علت خرید و نگاهداری ارزهای وارده

توسط بانک‌های مرکزی جلوگیری از بالا رفتن نرخ یا ارزش پول ملی در شرایط ورود سرمایه‌های زیاد و دیگری اثبات شدن ذخائر احتیاطی برای زمان‌های بحرانی و احتمال خروج سریع سرمایه‌ها است. چنانچه مکزیک در ظرف چند روز ۵ میلیارد دلار ذخیره خود را از دست داد و بنابراین برای این کشورها نگاهداری ارز به مقادیر کلاسیک (نسبت ذخایر - واردات) دیگر کافی نیست.

البته بانک‌های مرکزی ذخایر ارزی خود را بلا استفاده نمی‌گذارند. بیشتر این ذخایر صرف خرید اوراق قرضه دولت ایالات متحده آمریکا (وام به خزانه داری آمریکا) با بهره نسبتاً کم شده است (جدول ۲) شکاف هزینه تحصیل این ارزها برای ممالک در حال صنعتی شدن با آنچه که از خرید اوراق قرضه آمریکا عاید آنها می‌شود سالانه حدود ۱۰ میلیارد دلار محاسبه شده است.

تولیدکننده کالاها یا جاتشین واردات بودند. معنی چنین روشی تسلط دولت بر اقتصاد، کسر بودجه دائمی دولتها، تورم و پول واقعاً کم ارزش و بی‌جهت نرخ‌گذاری شده بود و حاصل این امر صدمه به صادرات، تشویق واردات، کسری مداوم موازنه تجاری و موازنه پرداختها و توسل به استقراض خارجی بود. در دهه ۱۹۷۰ استفاده از سرمایه‌های خارجی (بیشتر از منابع رسمی و بین‌المللی) توسط ممالک در حال توسعه برای پوشش کسر بودجه دولتها و جبران فرار سرمایه‌ها از این کشورها بود. به عکس امروز بیشتر این اقتصادها همان‌طور که قبلاً ذکر شد جزئی از اقتصاد جهانی شده‌اند یعنی آزادی واردات، تولید برای بازارهای جهانی، آزادی نقل و انتقال سرمایه‌ها، شناوری نرخ‌ارزها، واگذاری روز بروز بیشتر فعالیت‌های اقتصادی تولیدی و خدماتی به بخش خصوصی و مشارکت

برای نشان دادن حجم فعالیت در بازارهای مالی در مقیاس جهانی اعم از معاملات حال و سلف (ارز، نرخ بهره، سهام، کالاها، اوراق، شاخص‌ها) در سه بازار جهانی اروپا، آمریکای شمالی و اقیانوس آرام و آسیا در سال ۱۹۹۵، بانک تسویه‌های بین‌المللی (BIS) رقم حیرت‌انگیز ۴۷۵۰۰ میلیارد دلار را ذکر کرده است. میزان خرید و فروش ارزها در دنیا در یک روز ۱۲۰۰ میلیارد دلار (۱۹۹۵) محاسبه شده است. این تحولات عظیم چگونه پیدا شده و تفاوت وضع فعلی این بازارها با گذشته نه چندان دور (دهه ۱۹۷۰) چیست؟

۱- تغییر بنیادی طرز تفکر و دید رهبران سیاسی - اقتصادی کشورهای در حال توسعه نسبت به خود و دنیا. در دهه ۱۹۷۰ بیشتر کشورهای تازه استقلال یافته دنبال کسب استقلال اقتصادی - خودکفائی (خود مصرفی) ایجاد صنایع

جدول ۲

خالص فروش اوراق قرضه آمریکائی به خارجیان
میلیون دلار

اوراق قرضه دولتی	اوراق قرضه شرکتها	جمع
۵۸۹۸۰	۲۰۵۷۲	۸۹۵۵۲
۱۰۰۴۸۱	۳۷۹۹۲	۱۳۸۴۷۳
۱۶۲۸۴۴	۵۷۸۵۳	۲۲۰۶۹۷
۲۹۳۶۸۵	۷۷۹۷۸	۳۷۱۶۶۳
که از آن		
اروپا	۱۳۷۱۴۸	۱۹۳۳۳۲
آلمان	۱۹۲۹۷	۲۲۸۱۱
انگستان	۷۶۳۳۳	۱۲۰۰۳۵
آسیانیا	۱۸۳۲۱	۱۸۸۸۳
آسیا	۱۱۲۵۹۷	۱۲۲۴۰۳
ژاپن	۴۹۸۵۵	۵۵۰۸۴
چین	۱۷۲۰۹	۱۷۳۶۶
هنگ کنگ (چین)	۱۵۲۸۱	۱۷۰۱۸
(سه ماهه اول)	۷۷۰۳۸	۹۷۸۷۴

U.S. DEPARTMENT OF TREASURY, TREASURY BULLETINS

منبع:

جدول ۳

تأثیر بحران اقتصادی جنوب شرقی آسیا
بر پیش بینی رشد اقتصادی کشورها
در سال ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸
(درصد)

	پیش بینی در ماه		تجدید نظر در نرخ رشد
	اکتبر	دسامبر	
دنیای	۴/۲	۳/۱	-۰/۳
ایالات متحده	۳/۰	۳/۸	+۰/۸
ژاپن	۲/۲	۱/۰	-۱/۲
اروپای صنعتی	۲/۴	۲/۶	-۰/۲
اندونزی	۸/۲	۵/۰	-۳/۲
مالزی	۷/۹	۷/۰	-۰/۹
فیلیپین	۶/۳	۴/۳	-۲/۰
تایلند	۶/۸	۰/۶	-۶/۲
کره	۵/۶	۶/۰	-۰/۴
		۱۹۹۸	
دنیای	۴/۴	۴/۳	-۰/۹
ایالات متحده	۲/۲	۲/۶	-۰/۲
ژاپن	۲/۹	۲/۸	-۱/۸
اروپای صنعتی	۲/۹	۲/۷	-۰/۲
اندونزی	۷/۴	۶/۲	-۵/۴
مالزی	۷/۹	۶/۵	-۵/۴
فیلیپین	۶/۴	۵/۰	-۲/۶
تایلند	۷/۰	۳/۵	-۷/۰
کره	۶/۳	۶/۰	-۳/۸

IMF, WORLD ECONOMIC OUTLOOK, DECEMBER 1997.

منبع:

شوند که اصول اقتصاد و سیاست‌های اقتصادی و طرز تفکر در تعدادی از ممالک در حال توسعه سابق فرق کرده است. در سایه این تحول امروز حداقل ۲۰ کشور در حال توسعه سابق عنوان تازه صنعتی شده یا در حال صنعتی شدن را به خود اختصاص داده‌اند که ۸ کشور از این کشورها در آسیا قرار دارند.

۲- وجود اطلاعات دقیق و درست درباره سیاست‌ها و برنامه‌ها و امکانات بازاریهای تازه و شناخت دقیق و قضاوت مثبت درباره کیفیت سیاست‌های دولتها و عملکردهای اقتصادی آنها توسط سرمایه‌گذاران خصوصی خارجی. این امکانات اطلاعاتی حاصل تأسیس و استقرار دهها و بلکه صدها مؤسسه ملی و بین‌المللی تولید و انتشار فوری آمار و اطلاعات مالی در هر یک از این کشورها بوده است.

۳- آرامش و ثبات اقتصادی در دنیای

متحدہ آمریکا و اروپا (مخصوصاً آلمان)، نرخ تورم پایین و حتی ثبات قیمت‌ها، نرخ بهره پایین، کسر بودجه بسیار محدود در جامعه اروپا (حدود ۳ درصد تولید ناخالص داخلی در جامعه اروپا که تأسیس بانک مرکزی اروپا و پول واحد اروپائی را در اول سال ۱۹۹۹ ممکن می‌سازد)، صحبت از مازاد بودجه در ایالات متحده در سال ۱۹۹۹ (پس از سی سال) و کاسته شدن از کسر بودجه ایالات متحده که در سال ۱۹۹۷ به سطح ۲۲/۶ میلیارد دلار رسید (که از سال ۱۹۷۴ به بعد سابقه داشته است). نرخ تورم سالانه در ایالات متحده در سه ماهه سوم سال ۱۹۹۷ به ۱/۴ درصد رسید که نصف رقم مربوط به سال ۱۹۹۶ است. قابل توجه است که در این کشور رشد هزینه عامل کار در هزینه تولید در سه ماهه سوم سال ۱۹۹۷ فقط ۱/۸ درصد (مشابه سال قبل) و رشد اقتصادی واقعی این کشور ۳/۸ درصد محاسبه شده است که هر دو نشانه‌های کنترل تورم توأم با رشد اقتصادی نسبتاً بالا است.

طبق آخرین پیش بینی‌های به عمل آمده در دسامبر ۱۹۹۷ رشد اقتصادی جهان در سال ۱۹۹۸ به طوری که در جدول ۳ دیده می‌شود برابر ۲/۵ درصد (در مقابل ۴/۱ درصد در سال ۱۹۹۷) رشد اقتصادی ایالات متحده برابر ۲/۴ درصد، رشد اقتصادی ژاپن برابر ۱/۱ درصد و رشد اقتصادی اروپای صنعتی برابر ۲/۷ درصد خواهد بود.

بنابراین در دو سال اخیر (۱۹۹۶-۱۹۹۷) و مخصوصاً تا قبل از پیش آمدن بحران اقتصادی در ممالک جنوب شرقی آسیا چهار عامل مثبت رشد اقتصادی خوب ایالات متحده، ثبات نسبی قیمت‌ها، نرخ بهره پایین و کسر بودجه نسبتاً اندک ایالات متحده و کشورهای صنعتی اروپا در سال ۱۹۹۶ جو مناسب برای انتقالات و جریان وسیع سرمایه به بازارهای جهانی به میزان پنج برابر سال ۱۹۹۰ را فراهم ساخت (جدول ۱)

غرب و ظهور مجدد نشانه‌های رشد و توسعه اقتصادی به ترتیب در ایالات

پذیرفته‌اند. این تحولات باعث شده است که سرمایه‌گذاران خارجی واقعاً معتقد

سرمایه‌های خارجی را در فعالیت‌های اقتصادی که زمانی در انحصار دولتها بود